



بررسی نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به بخش‌های روانپزشکی در

دانشگاه علوم پزشکی ایران

دکتر حوریه محقق*، دکتر بهروز بیرشک**

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به بخش‌های روانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ایران صورت گرفته است. این پژوهش به روش توصیفی بوده و در بهار و تابستان ۱۳۷۴ در بخش‌های روانپزشکی مراکز آموزشی درمانی شهید نواب صفوی، شهید اسماعیلی و شهید رهنمون اجرا شده است. دانشجویان در دو مقطع کارآموزی و کارورزی به پرسشنامه‌ای حاوی اطلاعات زمینه‌ای و پرسشهای مربوط به نگرش به بخش‌های روانپزشکی پاسخ دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بطور کلی نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به بخش‌های روانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ایران مثبت است. کارآموزها بعد از طی دوره کارآموزی روانپزشکی نگرش مثبت تری یافته ولی نگرش کارورزها در مقایسه با دو گروه کارآموزها قبل و بعد از دوره کارآموزی منفی می‌باشد. نگرش افراد مورد مطالعه با سن، جنسیت، بیمارستان محل پژوهش، گذراندن درس نظری روانپزشکی، سابقه آشنایی نزدیک با فردی که اختلالات روانی دارد؛ سابقه کار در مراکز روانپزشکی و سابقه مطالعه در مفاهیم روانپزشکی ارتباطی ندارد. نگرش دانشجویان نسبت به اجزاء مورد پژوهش شامل روانپزشکی، آموزش روانپزشکی، اقدامات درمانی، روانپزشکان و روانشناسان و ارتباطات درون بخشی مثبت بوده ولی در مورد محیط فیزیکی بخش‌های روانپزشکی خنثی می‌باشد.

Andebehch
Va
Raftar
اندیشه و رفتار
۴۸

کلید واژه: نگرش، دانشجوی پزشکی، بخش روانپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

موضوعهای اجتماعی، تربیتی و فرهنگی مشخص کننده
احساسات آنان نسبت به آن موضوع و نیز بمنزله زیر بنای
مقاصد رفتاری مردم در مقابل آنها می‌باشد. نگرشها بر اثر
بطور کلی نگرش مردم یک جامعه نسبت به

* پزشک عمومی، انستیتو روانپزشکی تهران. تهران، خیابان طالقانی، کوچه جهان، پلاک ۱.
** روانشناس، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی ایران، انستیتو روانپزشکی تهران. تهران، خیابان طالقانی، کوچه جهان، پلاک ۱.

آموزش به سرعت تغییر می‌یابد و در جریان این دگرگونی نگرشهای تازه‌ای شکل می‌گیرد. بررسی نگرش دانشجویان در طی تحصیل، در واقع مطالعه نتایج تجربیات آنان در طی مقاطع یادگیری بوده و به عبارت دیگر ارزیابی فرایند آموزشی است که دریافت کرده و همچنین نتیجه تجربیاتی است که در اجتماع از ماهیت رشته روانپزشکی کسب کرده‌اند.

روانپزشکی شاخه‌ای از علم پزشکی است که با پیشگیری، علت و درمان اختلالات روانی مرتبط می‌باشد (کاپلان و سادوک، ۱۹۹۱). ارتباط نزدیکی بین روانپزشکی و سایر شاخه‌های پزشکی وجود دارد. هر بیماری و علامت جسمی خواه بسیار جدی باشد و خواه یک پایه و اساس آشکار عضوی^(۱) داشته باشد، یکسری تجربیات روانشناختی واضح را برای بیمار ایجاد می‌کند. بعضی از بیماریهای جسمی که بیماران را نیازمند مراقبتهای درمانی می‌کنند، در واقع اساس و علت روانشناختی دارند.

ویلیکینسون^(۲) (۱۹۸۳) می‌نویسد نگرش دانشجویان پزشکی به روانپزشکی بر اساس عقایدی که در طی دوران کودکی و تحصیل در مدرسه و دانشگاه شکل گرفته، پی‌ریزی شده و بر پایه تمایلات و تأثیراتی که قبل از دوره بالینی و هنگام کارآموزی روانپزشکی با آن برخورد کرده‌اند، بنا شده است. آرایا و جادرسیک^(۳) (۱۹۹۲) بر این باورند که چندین عامل در نگرش دانشجویان به روانپزشکی تعیین کننده هستند. شخصیت، تجربه قبلی و کارآموزی روانپزشکی بنظر مؤثر می‌رسند.

مطالعات انجام شده در اروپا و آمریکای شمالی یک بهبود کوتاه مدت در نگرش دانشجویان را بعد از دوره کارآموزی روانپزشکی نشان داده است. ویلیکینسون و همکاران (۱۹۸۳) پژوهشی بمنظور بررسی نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به روانپزشکی در لندن انجام دادند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بطور کلی کارآموزی روانپزشکی منجر به تغییرات آشکاری در

جهت مثبت در نگرش دانشجویان شده است بطوری که قبل از کارآموزی فقط ۲۳ درصد نگرش مثبت به روانپزشکی داشتند ولی این نسبت بعد از کارآموزی تا ۶۵ درصد افزایش یافت. نگرش کلی بر اساس جنس قبل و بعد از دوره تفاوتی نداشت. هیچ دانشجویی چه قبل و چه بعد از کارآموزی بطور قطعی به روانپزشکی به عنوان یک حرفه علاقمند نبود. اگر چه نسبت کسانی که احتمال دادند که در این رشته تخصص بگیرند از ۶ درصد تا ۱۷ درصد بطور معنی داری افزایش یافته بود.

پژوهش دیگری توسط نیلسون وایتن^(۴) (۱۹۸۱) در واشنگتن انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش چنین است: بیشتر دانشجویان معتقد بودند که روانپزشکی موجب کندی پیشرفت آنها می‌شود و در مقایسه با سایر رشته‌ها از ارزش کمتری برخوردار است. رویهمرفته دانشجویان اعتقاد داشتند که برای درمان اختلالات هیجانی و احساسی نیازی به گرفتن تخصص روانپزشکی نمی‌باشد و می‌توان این درمانها را در سایر تخصصها بدون از دست دادن مهارت‌های پزشکی ارائه کرد.

وایزمن و باشوک^(۵) (۱۹۸۲) پژوهشی در جهت بررسی نگرش دستیاران سال اول روانپزشکی نسبت به این رشته انجام دادند. نتایج بدست آمده نشان داد که تجربیات مثبت در مدت کارآموزی روانپزشکی در کار با بیماران مبتلا به مشکلات روانشناختی و تجربه منفی در سایر کارآموزیها در انتخاب روانپزشکی به عنوان تخصص مؤثر بوده است. آرایا و همکاران (۱۹۹۲) پژوهشی را در کشور شیلی به اجرا در آوردند. در این پژوهش سه گروه دانشجویان سال سوم که کارآموزی روانپزشکی را گذرانده بودند، دانشجویان سال پنجم قبل و بعد از دوره کارآموزی روانپزشکی و دانشجویان سال هفتم که دو سال از زمان

1-organic

2-Wilkinson

3-Araya & Jadersic

4-Nielsen & Eaton

5-Weissman & Bashook

کارآموزی آنان گذشته بود انتخاب شدند. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که دانشجویان سال پنجم بویژه زنان، افزایش آماری مشخصی را در نمره میانگین پرسشنامه بعد از کارآموزی کسب کردند. دانشجویان سال آخر حداقل تمایل و دانشجویان سال پنجم بیشترین تمایل را به این رشته نشان دادند.

با توجه به تفاوت‌های فرهنگی، تاریخی و اجتماعی برای بررسی و مقایسه نگرش در دانشجویان ایرانی، لازم بود پژوهشی در این زمینه در ایران صورت گیرد. در پژوهش حاضر سعی بر این بود که نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به بخش‌های روانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ایران و رابطه آن با متغیرهای مختلف که بعداً ذکر خواهند شد، همچنین نگرش دانشجویان نسبت به اجزاء مختلف این پژوهش بررسی و تعیین شود.

روش

جامعه پژوهش حاضر دربرگیرنده کلیه دانشجویان پزشکی مقاطع کارآموزی (استاژری) و کارورزی بالینی (انترنی) دانشگاه علوم پزشکی ایران در سال تحصیلی ۷۴-۱۳۷۳ می‌باشد. نمونه پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان پزشکی مقاطع کارآموزی و کارورزی دانشگاه علوم پزشکی ایران بود که در زمان انجام پژوهش در یکی از بخش‌های روانپزشکی بیمارستانهای تابعه این دانشگاه (شهید نواب صفوی، شهید اسماعیلی و شهید رهنمون) مشغول به تحصیل بودند.

در این پژوهش گردآوری اطلاعات بوسیله پرسشنامه انجام شد. بدین منظور پرسشنامه‌ای که از دو بخش تشکیل شده بود مورد استفاده قرار گرفت. قسمت اول شامل ۸ سؤال که مشخصات فردی پاسخ دهنده از جمله سن، جنس، بیمارستان محل پژوهش، مقطع تحصیلی، سابقه گذراندن درس نظری روانپزشکی، سابقه آشنایی نزدیک با فردی که اختلالات عصبی دارد، سابقه کار در مراکز روانپزشکی در خارج از محیط تحصیلی و سابقه

مطالعه در مفاهیم روانپزشکی در خارج از محیط تحصیلی بود. قسمت دوم از ۴۲ عبارت تشکیل شده بود که اطلاعاتی را در زمینه نگرش پاسخ دهنده نسبت به روانپزشکی، آموزش روانپزشکی، اقدامات درمانی، محیط فیزیکی، روانپزشکان و روانشناسان، و ارتباطات درون بخشی مطرح می‌کرد. برای هر عبارت سه گزینه موافق، بی نظر، مخالف در نظر گرفته شده بود. از ۴۲ عبارت فوق، ۳۰ عبارت نگرش مثبت و ۱۲ عبارت نگرش منفی را مطرح می‌کردند. عبارات فوق بر اساس مقیاس لیکرت نمره گذاری شد، بطوری که گزینه‌های موافق، بی نظر و مخالف در عباراتی که نگرش مثبت را مطرح می‌کردند به ترتیب نمرات ۳ و ۲ و ۱ و در عباراتی که نگرش منفی را مطرح می‌کردند به ترتیب نمرات ۱ و ۲ و ۳ را دریافت می‌کردند. پاسخ دهندگان برای هر عبارت فقط حق انتخاب یک گزینه را داشتند. بدین ترتیب مجموع امتیازات کسب شده حداکثر ۱۲۶ و حداقل ۴۲ می‌شد.

برای تهیه پرسشنامه با بهره‌گیری از منابع مختلف حدود ۳۰۰ سؤال توسط پژوهشگران طرح گردید که از میان آنها پس از انجام اصلاحات لازم و تأیید تنی چند از اساتید صاحب‌نظر در زمینه روانپزشکی و روانشناسی ۴۲ سؤال که از اعتبار لازم جهت بررسی نگرش در زمینه این پژوهش برخوردار بود، انتخاب و به صورت یک پرسشنامه چند جوابی تنظیم و مورد استفاده قرار گرفت. در این پژوهش ابتدا فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار داده‌ها تعیین شد. سپس برای مقایسه گروه‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون X^2 و آنالیز واریانس استفاده گردید.

جامعه آماری

در پژوهش حاضر ۹۳ کارآموز و ۸۸ کارورز شرکت داشتند. برای کارآموزها پرسشنامه‌ها در دو مرحله، ابتدا در روز اول ورود به بخش و سپس سه هفته پس از دوره کارآموزی روانپزشکی اجرا شد که در مرحله اول ۶۶ نفر و

در مرحله دوم ۶۲ نفر به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. هدف از اجرای این طرح در دو مرحله در مورد کارآموزها بررسی تأثیر دوره کارآموزی در نگرش آنان به بخش‌های روانپزشکی بود. از آنجا که کارورزها این دوره را قبلاً طی کرده بودند، در مورد آنها پرسشنامه‌ها فقط یک بار در روز اول ورود به بخش اجرا شد که ۵۸ نفر بطور کامل به آن پاسخ دادند.

یافته‌ها و بحث در نتایج

از اهداف عمده این پژوهش تعیین نگرش دانشجویان پزشکی نسبت به بخش‌های روانپزشکی بویژه رابطه آن با کارآموزی روانپزشکی بود. همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد نگرش کلی هر سه گروه مورد مطالعه یعنی کارآموزها در مرحله اول (شروع کارآموزی)، کارآموزها در مرحله دوم (۳ هفته بعد از کارآموزی روانپزشکی) و کارورزها نسبت به بخش‌های روانپزشکی مثبت می‌باشد. در این مطالعه نگرش کارآموزها پس از کارآموزی روانپزشکی بهبود یافته است ولی نگرش کارورزها در کل نسبت به دو گروه قبل منفی و تفاوت با تحلیل واریانس یک متغیره معنی دار نشان می‌دهد.

جدول ۱ - میانگین و انحراف معیار نگرش کلی گروههای مورد مطالعه در دانشگاه علوم پزشکی ایران

نگرش	کارآموز ۱	کارآموز ۲	کارورز
میانگین	۱۰۳/۹	۱۰۴/۱	۱۰۱/۰۹
انحراف معیار	۴/۷	۵/۲	۷/۷
	P=۰/۹۹	df=۲	F=۴/۸۶

نتایج فوق با مطالعات خارج از ایران تا حد زیادی همخوانی دارد. بطوریکه ویلکینسون و همکاران (۱۹۸۳)؛ نیلسون وایتن (۱۹۸۱)؛ وایزمن و باشوک (۱۹۸۴)؛ بورا و همکاران^(۱) (۱۹۸۲)؛ قدیریان و انگلس من^(۲) (۱۹۸۲)،

آگوستینوس و همکاران^(۳) (۱۹۸۵) و آرایا و همکاران (۱۹۹۲) نیز گزارش کرده‌اند پس از طی دوره کارآموزی نگرش دانشجویان در جهت مثبت تغییر می‌کند ولی این تغییر پایدار نیست. آرایا و همکاران (۱۹۹۲) مطرح کرده‌اند که این تغییر در نگرش بتدریج در طی ۳ سال از بین می‌رود و دانشجویان سال سوم و پنجم منفی ترین نگرش را دارند. ویلکینسون و همکاران (۱۹۸۳) و بورا و همکاران (۱۹۸۲) نیز این تغییرات را کوتاه مدت و گذرا دانسته‌اند. پژوهش حاضر نیز مؤید این نکته است که دوره کارآموزی در تغییر نگرش کارآموزها مؤثر بوده است ولی در مورد کارورزها با توجه به آن که در ابتدای دوره کارورزی روانپزشکی به پرسشنامه‌ها پاسخ داده‌اند، تأثیر دوره کارآموزی تا حد زیادی کاهش یافته است. لذا، در مقایسه با سایر گروهها کاهش و اضعی در میزان نمرات حاصل از آزمون نگرش داشته‌اند.

در پژوهش حاضر نگرش افراد مورد مطالعه با متغیرهای سن، بیمارستان محل پژوهش، سابقه آشنایی نزدیک با فردی که اختلالات عصبی دارد و سابقه مطالعه در مفاهیم روانپزشکی ارتباط معنی داری نداشت. مطالعات الکساندر و ایگلز^(۴) (۱۹۸۶) و آرایا و همکاران (۱۹۹۲) نشان می‌دهد که زنان در مقایسه با مردان نگرش مثبت تری دارند.

الکساندر و ایگلز (۱۹۸۶) در پژوهش خود متوجه شدند که سابقه کار در بیمارستانهای روانی منجر به تغییر نگرش دانشجویان در جهت مثبت شده است، ولی در این پژوهش رابطه معنی داری بین این دو مورد مشاهده نشد. از طرفی چون تعداد دانشجویانی که سابقه کار در مراکز فوق را داشتند بسیار کم بود (۱ نفر کارآموز مرحله اول، ۲ نفر کارآموز مرحله دوم، ۱ نفر کارورز)، بنظر می‌رسد که

مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با مطالعه الکساندر و ایگلز درست نباشد.

در ارزیابی عبارات مربوط به نگرش در زمینه روانپزشکی نتایج بدست آمده چنین بود: اکثریت عمده دانشجویان کسب مهارت‌های روانپزشکی را برای دانشجویان پزشکی بسیار با ارزش دانسته و روانپزشکی را یک رشته با ارزش و لازم می‌دانند که به پیشرفت جامعه انسانی کمک زیادی می‌کند. همچنین معتقدند که شایسته است به بیماری روانی حداقل به اندازه بیماری جسمی توجه شود. اکثریت دانشجویان، روانپزشکی را یکی از مهمترین دروس آموزشی در دانشکده پزشکی می‌دانند و معتقدند تخصص روانپزشکی یکی از جالبترین تخصص‌های پزشکی است و بیماری روانی را بیماری مانند سایر بیماریها می‌دانند. بسیاری از پاسخ دهندگان معتقدند که اگر دانشجویی علاقه‌اش را نسبت به روانپزشکی ابراز کند احتمالاً با تعجب دیگران روبرو خواهد شد. اکثریت دانشجویان پزشکی، روانپزشکی را درس خسته کننده‌ای ندانسته و ورود به این تخصص را موجب بی استفاده شدن آموزشهای پزشکی نمی‌دانند.

در مورد آموزش روانپزشکی نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که اکثریت عمده دانشجویان استفاده از فیلمهای آموزشی را در بهبود آموزش روانپزشکی برای دانشجویان مؤثر دانسته ولی کارورها بیش از دو گروه دیگر بر اهمیت آن تأکید دارند. اکثریت دانشجویان مدت آموزش روانپزشکی را در طی دوران تحصیل پزشکی کوتاه می‌دانند ولی کارورها بطور مشخص موافقت کمتری با این موضوع دارند. همچنین اکثریت دانشجویان معتقدند که همکاری بین کادر پرستاری و دانشجویان پزشکی در بخش روانپزشکی می‌تواند محیط آموزشی مناسبی را بوجود آورد.

در مورد اقدامات درمانی در بخش‌های روانپزشکی نتایج پژوهش حاضر چنین است: اکثر گروهها بیمارستان روانی را بهترین محل برای بستری یک بیمار روانی

می‌دانند و معتقدند سهم بزرگی در درمان وی دارد در حالیکه از دید روانپزشکی جامعه گرا بهترین مکان برای درمان بیماران روانی خانه و جامعه است. بسیاری از افراد جامعه آماری امکانات درمانی از نظر تفریحی، ورزشی و کاردرمانی در بیمارستان روانی را بسیار محدود می‌دانند. قسمت عمده دانشجویان معتقدند اگر بیماران بتوانند در هر فرصتی سرگرم شده و مشغول کار و فعالیت، بخصوص فعالیت‌های هنری شوند زودتر بهبود می‌یابند. اکثریت آنان درمانهای اجباری را در بعضی مواقع لازم می‌دانند و همچنین یکی از مشکلات عمده در درمان بیماران روانی را محیط خانوادگی آنها می‌دانند و اهمیت زیادی برای آموزش و آگاه نمودن خانواده‌ها قائلند. بیشتر دانشجویان روشهای درمانی حاضر را در درمان بیماران روانی مؤثر می‌دانند. همچنین معتقدند که دادن مسئولیت‌هایی در بخش به بعضی از بیماران روند بهبود و بازگشت آنان را به جامعه سرعت می‌بخشد و فعالیت شغلی را موجب تسریع در پیشرفت درمان بیماران روانی بستری می‌دانند.

در ارزیابی عبارات مربوط به نگرش به محیط فیزیکی بخش‌های روانپزشکی تحلیل نتایج حاصله نشان داد بیشتر کارآموزهای مرحله اول (۳۵/۴ درصد) و اکثریت کارورها (۵۸/۶ درصد) معتقدند که "حتی فرد سالم هم در بیمارستان روانی فکر فرار به سرش می‌زند" ولی بیشتر کارآموزهای مرحله دوم (۳۷/۱ درصد) نسبت به این موضوع بی نظر بودند و تعداد بیشتری از آنان نسبت به قبل از دوره کارآموزی با این موضوع مخالفت کردند (۳۲/۲ درصد در مقابل ۳۰/۸ درصد). بیشتر دانشجویان در مورد این که بیمارستان روانی احساس اضطراب و ناراحتی در بیمار ایجاد می‌کند، نظری ندارند ولی تعداد قابل توجهی از گروههای فوق با این موضوع موافقت. اکثر دانشجویان نحوه زندگی بیماران در بیمارستان را کسالت آور دانسته و معتقدند بیشتر اوقات آنها به بطالت می‌گذرد. اقلیتی از دانشجویان با این عقیده که محیط فیزیکی بخش روانپزشکی به حدی بد است که حتی فرد سالم را هم

افسرده می‌کند، موافقتند. بیشتر دانشجویان قرار گرفتن بخش روانپزشکی در یک بیمارستان عمومی را موجب ایجاد نگرش مثبت در فرد بیمار نسبت به بیماری خود دانسته و ایجاد محیط دل باز و فرحبخش در بیمارستان روانی را در سیر بهبودی و درمان بیمار مؤثر می‌دانند. همچنین قسمت عمده دانشجویان در مورد تأثیر بیماران از تفکرات هم اتاقی خود و ایجاد توهم در آنها نظری ندارند ولی تعداد قابل توجهی از آنان با این موضوع موافقتند.

در مورد نگرش به روانپزشکان و روانشناسان، اکثریت دانشجویان آشنایی با فرهنگ جامعه را در موفقیت یک روانپزشک در درمان بیماران روانی مؤثر می‌دانند. گروه کوچکی از دانشجویان با این نظریه که روانپزشکان در مقایسه با سایر پزشکان کمترین اجر و پاداش را در مقابل خدماتشان دریافت می‌کنند، مخالف بودند. اکثریت عمده دانشجویان جلب اعتماد و اطمینان بیمار روانی را لازمه موفقیت یک درمانگر دانسته و معتقدند رشته روانپزشکی به افرادی باعلاقه و خصوصیات ویژه شخصیتی نیاز دارد که کار کردن با مردم را جالب و ارضاء کننده بدانند. بیشتر دانشجویان معتقدند روانپزشکان بیشتر و بهتر از سایر پزشکان مردم را می‌فهمند و با آنان ارتباط برقرار می‌کنند ولی تعداد بیشتری از کارورزها نسبت به دو گروه دیگر با این موضوع مخالف هستند. اکثر دانشجویان کار روانپزشکان و روانشناسان را از ارزش معنوی و منزلت اجتماعی بالا برخوردار می‌دانند. اقلیت کوچکی از دانشجویان بر این نظر که برخی از روانپزشکان مصاحبه با بیمار را بصورت بازجویی انجام می‌دهند، تأکید داشتند ولی بیشتر پاسخ دهندگان در این مورد نظری نداشتند. بیشتر دانشجویان روانپزشکان را پیشروان حرکت بسوی پزشکی انسانی^(۱) دانسته و موفقیت در درمان را به مقدار زیادی وابسته به شخص درمانگر می‌دانند. اکثر دانشجویان معتقدند که دانشجویان پزشکی به اندازه کافی با تواناییهای روانشناسان و نقش آنان در درمان بیماران

آشنایی ندارند. بیشتر دانشجویان همدلی روانپزشکان و روانشناسان را به اندازه دانش واقعی روانپزشکی بالینی مهم می‌دانند.

در ارزیابی عبارات مربوط به نگرش به ارتباطات درون بخشی، اکثریت دانشجویان معتقدند روانپزشکان نسبت به سایر پزشکان روابط بهتری با دانشجویان پزشکی دارند. از طرفی بیشترین مخالفت با این عقیده از طرف کارورزها می‌باشد. تعداد کمی از دانشجویان قاطعانه معتقدند که کادر پرستاری بیمارستان روانی به ویژگیهای فردی و تفاوتهای بیماران با یکدیگر توجه کافی می‌کنند که اکثریت آنها را کارورزها تشکیل می‌دهند.

اکثر دانشجویان در این مورد که کادر پرستاری بیمارستان روانی برخورد بهتری با دانشجویان پزشکی دارند بی نظر هستند. تعداد زیادی از کارورزها و کارآموزهای مرحله اول با این عقیده موافق و تعداد زیادی از کارآموزهای مرحله دوم با آن مخالفند. بیشتر دانشجویان معتقدند که با آموزش لازم به پرستاران و کارکنان بیمارستان در مورد نحوه برخورد و مراقبت از بیماران، رفتار خشونت آمیز و اقدام به فرار آنان کمتر می‌شود.

نتایج فوق در مورد نگرش گروههای مورد مطالعه در ارزیابی از عبارات مربوط به اجزاء نگرش بطور خلاصه در جدول ۲ جمع بندی شده است. برای مقایسه بین میانگین سه گروه از آزمون آنالیز واریانس استفاده شد. نتیجه آزمون به تفکیک در مورد هر قسمت تفاوت معنی داری را بین میانگین گروهها نشان نداد.

بطور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نگرش دانشجویان نسبت به روانپزشکی، آموزش روانپزشکی، اقدامات درمانی، روانپزشکان و روانشناسان، و ارتباطات درون بخشی مثبت بوده ولی در مورد محیط فیزیکی بخش‌های روانپزشکی خنثی می‌باشد.

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار نگرش گروههای مورد مطالعه در ارزیابی از عبارات مربوط به اجزاء نگرش به بخش‌های روانپزشکی در دانشگاه علوم پزشکی ایران

اجزاء نگرش	کارآموز ۱		کارآموز ۲		کارورز	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
نگرش به روانپزشکی	۲۳/۰۶	۲/۴۴	۲۲/۹۵	۲/۳۸	۲۲/۱۰	۲/۸۶
نگرش به آموزش روانپزشکی	۸/۲۹	۱	۸/۳۵	۰/۸۳	۷/۹۸	۱/۱۵
نگرش به اقدامات درمانی	۲۰/۶۲	۱/۵۳	۲۰/۷۳	۱/۵۹	۲۰/۳۳	۱/۸۸
نگرش به محیط فیزیکی	۱۴/۶۸	۱/۹۳	۱۴/۹۰	۲/۳۲	۱۴/۱۴	۲/۱۷
نگرش به روانپزشکان و روانشناسان	۲۷/۱۴	۱/۵۵	۲۷/۱۳	۲/۰۳	۲۶/۴۰	۲/۳۰
نگرش به ارتباطات درون بخشی	۹/۴۲	۱	۹/۰۸	۱/۱۶	۹/۳۶	۱/۸۲

منابع

- Alexander, D. A. & Eagles, J. M. (1986). Attitude of men and women medical students to psychiatry. *Medical Education*, 20, 449-455.
- Araya, R. I., Jadersic, E. & Wilkinson, G. (1992). Medical student's attitude to psychiatry in Chile. *Medical Education*, 26, 153-156.
- Augoustinos, M.; Schreder, G.; Chynoweth, R. & Reid, M. (1985). Medical students attitudes towards psychiatry: a conceptual shift. *Psychological Medicine*, 15, 671-678.
- Burra, et al. (1982). The ATP. 39-A scale for measuring medical students to psychiatry. *Medical Education*, 16, 31-38.
- Ghadirian, A. M. & Engelsmann, F. (1982). Medical student's attitude toward psychiatry: a ten year comparison. *Medical Education*, 16, 39-43.
- Kaplan, H. I. & Sadock, B. J. (1989). *Comprehensive Textbook of Psychiatry*. 5th edition. Williams & Wilkins, P. 1280.
- Kaplan, H. I. Sadock, B. J. (1991). *Comprehensive Glossary of Psychiatry and Psychology*. Williams & Wilkins P. 151.
- Nielsen, A. C. & Eaton, J. S. (1981). Medical student's attitude about psychiatry. *Archives of General Psychiatry*, 38, 1144-1154.
- Soufi, H. E. & Raoof, A. M. S. (1992). Attitude of medical students towards psychiatry. *Medical Education*, 26, 38-41.
- Weissman, S. H. & Bashook, P. G. (1984). The 1982 First-Year Resident in psychiatry. *American Journal of Psychiatry*, 141, 1240-1243.
- Wilkinson, D. G.; Greer, S. & Toone, B. K. (1983). Medical student's attitude to psychiatry. *Psychological Medicine*, 13, 185-192.
- Wilkinson, D. G.; Toone, B. K. & Greer, S. (1983). Medical student's attitude to psychiatry at the end of clinical curriculum. *Psychological Medicine*, 13, 655-658.

Andeeshah
Va
Raftar
اندیشه و رفار
۵۴

سالنامه/نیمه دوم/۱۳۸۳
Vol2/NO. 1 & 2 / Summer & Fall, 1995

